

اُتارِ غنچیلاری

۳۰ قصه و افسانهٔ جذاب، دُرِ بایجانی از زبان ۲۰ راوی
(همراه با لوح فشرده صدای آیین قصه‌ها و افسانه‌ها)



تألیف: حسن کامرانی مقدم

۱۳۹۷

سرشناسه: کامرانی مقدم، حسن، ۱۳۴۵-، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: ائل ناغیل لاری: ۳۰ قصه و افسانه جذاب آذربایجانی از زبان ۲۰ راوی - / حسن
کامرانی مقدم؛ ویراستار حمدالله جعفری دانش.
مشخصات نشر: اردبیل: شیران نگار ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۱۵۴ ص: مصور (بخشی رنگی)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۰۳-۴۱-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا
عنوان دیگر: ۳۰ قصه و افسانه جذاب آذربایجانی از زبان ۲۰ راوی -
موضوع: افسانه‌ها و قصه‌های آذربایجانی
موضوع: Legends—Azerbaijan (Republic)
موضوع: فرهنگ عامه — ایران — آذربایجان
موضوع: Folklore — Iran — Azerbaijan
رده بندی دهکده: ۱۳۹۷ / ۴۰۲ / GR۲۹۱
ردیف دیوبندی: ۳۹۸/۲۰۹۵۵۳
شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۵۹۸۹۸

ائل ناغیل لاری

ائل ناغیل لاری

مولف: حسن کامرانی مقدم

ناشر: شیران نگار

چاپ و صحافی: شیران نگار

طراح گرافیک و صفحه‌آرایی: بهمن طهماسبی‌پور

طرح روی جلد: دریا کامرانی مقدم

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۰۳-۴۱-۲

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال



حوزه هنری انقلاب اسلامی استان اردبیل
واحد آفرینش‌های ادبی

فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
مقدمه:	۱۳
۱- سنگول منگول (حسین برنجیان)	۲۵
۲- دونه چوره ک (مسلم عظیم اولیایی)	۳۰
۳- بالیق دونه (اکیزه اسماعیلی)	۳۵
۴- عاشیق علعلرله خانیمی هاواخالانین ماجراسی (علی باقری)	۳۸
۵- عاشیق علعلرله قمرخاننه ن ماجراسی (بخشعلی قاسمی)	۴۳
۶- هرکسن بیر ایشه یاراندی (الب غیایی مقدم)	۴۹
۷- سن آلاله یلا اول، آلاله نه یار (آراسته عزیزاده)	۵۳
۸- پیشیک له شیر (داود صادقوند)	۵۶
۹- قاراچوخا (علی باقری)	۵۹
۱۰- غاز (زررائیل راحلی)	۶۵
۱۱- وفالی خانیم (شهلا قدیرزاده)	۶۸
۱۲- میخی مسمار ائله یین آلاله (شوکور سیف اللهی)	۷۰
۱۳- شتئی، پتئی، من (حمدالله جعفری دانش)	۷۱
۱۴- قارا قوش (علی باقری)	۷۶
۱۵- آیینی اولدورمه میش دریسین سویوب، ساتیب، اروادا دون دامنه	
وئرمه (مطلب غیایی مقدم)	۸۲
۱۶- آیینه سانجاق (آراسته عزیزاده)	۸۵

- ۱۷- بیلجی کئچل (محمدتقی محمدی فرد) ۸۹
- ۱۸- مکر زن (اسفندیار معصومی) ۹۳
- ۱۹- قارپوز (منصور صمدی) ۹۷
- ۲۰- مازالاق (شهلا قدیرزاده) ۱۰۱
- ۲۱- ایکی قارداش (علی باقری) ۱۰۵
- ۲۲- کۆز، بوییم، این اتوییم، گیریم ایچینه دینجه لیم (شوکور سیف اللهی) ۱۰۷
- ۲۳- بالیقارین شای (رضا لطفی) ۱۱۰
- ۲۴- بئچه (علی ارغوانی) ۱۱۴
- ۲۵- تاجرله اکینچی (شهلا قدیرزاده) ۱۱۸
- ۲۶- آج تولکو (سیروس وقار) ۱۲۲
- ۲۷- اولاجاغا چاره یوخدور (امیر تمجید) ۱۲۵
- ۲۸- کینه لی جنوار، وفالی ایت (مسلم عظیم اویانلی) ۱۲۸
- ۲۹- قسمت (رقیه کنعانی) ۱۳۱
- ۳۰- شاه قیزی (موسی اصغرزاده) ۱۳۴
- منابع و مأخذ ۱۳۵
- سۆزلوک ۱۴۱



پیشگفتار

افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه، بخش بزرگی از فرهنگ مردم را تشکیل می‌دهند. آن‌ها در برگیرنده آمال و آرزوهای مردم هر سرزمین‌اند که سینه به سینه حفظ شده به ما رسیده‌اند. ما نیز وظیفه داریم بی‌کم و کاست آن‌ها را برای آیندگان ثبت و ضبط کنیم.

همه‌ی ما از کوچک و بزرگ، خاطرات خوشی از قصه‌های مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها دور کرسی‌ها داریم. این قصه‌ها تنها مختص کودکان نبوده و نیست و شنیدن آن‌ها حتی برای بزرگترها نیز لذت بخش است و حس نوستالژیک خاصی را زنده می‌کند.

از مهر ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۳۹۴، در مدت دو سال و نیمی که برنامه «اثر ناغیل لاری» از رادیو اردبیل پخش شد، توجه مخاطبان و علاقه‌مندان بسیاری را به خود جلب کرد و جذابیت آن به حدی بود که تکرار آن نیز به عنوان برنامه تأمینی، همچنان پرمخاطب است. شاید

دلیل آن، همین ویژگی منحصر به فرد قصه و افسانه است که تکرار چندین باره آن نیز برای شنونده ملال آور نیست. از این روی برای برداشتن گامی هر چند کوچک برای مکتوب کردن بخشی از فرهنگ شفاهی استان اردبیل، از میان حدود یکصد و پنجاه قصه و افسانه پخش شده در آن برنامه، سی قصه جذاب را که یا در هیچ مطبوعه‌ای چاپ نشده و یا روایت شنیدنی‌تری از نمونه‌های چاپ شده بودند، گلچین و انتخاب کردیم. بیست و یک قصه را و افسانه‌ها از اقصی نقاط استان، از دورترین شهرها تا دورترین روستاها بودند که متأسفانه در مدت کوتاهی، چند نفر از آنان را که اغلب کهنسال هم بودند، از دست دادیم. بدیهی است این قصه‌ها و افسانه‌هایشان ثبت و ضبط نمی‌شدند، همراه آن‌ها دفن شده به فراموشی سپرده می‌شدند. ذکر این نکته لازم است که هنگام پیاده کردن متن قصه‌ها و افسانه‌ها، ضمن درج مشخصات کامل راوی و وفاداری به روایت او برای زیباتر شدن متن، ویرایش مختصری صورت گرفت و در عین حال به سبب تنوع راویان و روایت‌های شفاهی، متن قصه‌ها یک دست نمی‌باش...

در این اثر، واژه‌های دخیل از زبان‌های فارسی و عربی را در حد امکان، به همان شکلی که در زبان مبدأ نوشته می‌شود آورده‌ام، تا ذهن خوانندگان آشنا به الفاظ و عبارات فارسی و عربی آسفته نشود. برای نمونه واژه مثلاً را مثلاً یا معلم را موعلیم یا دقت را دیققت و یا کتاب را کیتاب ننوشته‌ایم (دست پیش، ۱۳۸۷: ۲).

در جمع‌آوری این منابع ارزشمند، فرهنگیارانی نیز از جمله خانم شهلا قدیزاده دبیر بازنشسته آموزش و پرورش در شهرستان نمین ما

را یاری دادند. ایشان در محل سکونت خود قصه‌ها و افسانه‌هایی را از زبان مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها یادداشت می‌کردند و با رعایت امانت و با ذکر نامشان، آن‌ها را در اختیار ما قرار می‌دادند. قصه‌ها و داستان‌های شیرین که هر کدام می‌توانند موضوع ساخت فیلم و انیمیشن‌های بسیار جالبی باشند، ویژگی مهم دیگری که شاید این اثر را از آثار منتشر شده پیشین متمایز کند، ارائه نمونه صوتی قصه‌ها و افسانه‌ها با صدا و کوبش خیره‌انگ است که ضمیمه کتاب است. به این ترتیب محققان محترم فرهنگ عامه در صورت نیاز به اصل روایت راویان، می‌توانند به نمونه صوتی مراجعه کنند.

نکته دیگر اینجاست که همزمان قصه و تطبیق آن با متن نوشته شده در کتاب، به کسانی که در خواندن روان متون ترکی مشکل دارند، کمک بسیار مؤثری خواهد کرد. بخش «سۆزلوک» نیز شامل معانی حدود دویست واژه به کار رفته در قصه‌ها و افسانه‌هاست که ممکن است برای خوانندگان و شنوندگان عزیزان، مهجور باشند.

در پایان وظیفه خود می‌دانم از لطف و همکاری بی‌دریغ علی ملاحمدی مدیرکل صداوسیما، مرکز اردبیل، امیر رجایی رئیس حوزه هنری استان، حمدالله جعفری‌دانش، مقصود جوادی‌زارع، حسن قهرمانی قاسم مزین، حسین آزاد، سید محمود مهدوی، عباد ممی‌زاده، فریده محمدی، علی پرویزی، عزیز علیپور، محمد علیزاده، محسن نریمانی، محمد فرنام، قاسم لطفی و همه راویان عزیزی که ما را در تهیه این اثر یاری کردند، صمیمانه سپاسگزاری کنم.

مقدمه:

افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه

افسانه‌ها و قصه‌های فولکلوریک را نیاکان ما در زمان‌های بسیار قدیم، حتی زمانی که خط اختراع نشده بود، خلق کرده‌اند. منظور از قصه‌های عامیانه، آن دسته از قصه‌ها هستند که مخاطب آن‌ها، مردم عادی بوده‌اند که غالباً سواد خواندن و نوشتن نداشته‌اند و پای صحبت نقلان و قصه‌گویان می‌نشستند. آن‌ها تحقق آمال و آرزوهای خود را در این قصه‌ها می‌جستند.

«ویلیام بسکام» فولکلور شناس معروف آمریکایی در تئین و تعریف قصه‌های عامیانه می‌نویسد:

قصه‌های عامیانه، داستان‌های منثوری هستند که غیرواقعی و افسانه‌ای تلقی می‌شوند. این قصه‌ها معمولاً نویسنده ندارند و بدون زمان‌اند. در واقع اصلی‌ترین مشخصه قصه‌های عامیانه، شفاهی

بودن و عدم وابستگی و تعلق آن‌ها به فرد خاص است و راویان متعددی دارند. هر چند بعضی از این افسانه‌ها و قصه‌ها مکتوب نیز شده‌اند؛ اما هیچ گاه نویسنده آن‌ها به شهرتی فراتر از قصه دست نیافته است (سیداف، ۱۳۸۸: ۱۷۴).

افسانه‌ها و قصه‌های فولکلوریک، از آرزوها و تخیلات توده مردم شکل گرفته و چون به صورت شفاهی در میان اقوام گوناگون از نسلی به نسل دیگر حفظ شده، در روایات مختلف نقل شده است و جالب آن که هر روایت نیز به نوبه خود جذاب و شنیدنی است. برای مثال قصه شنگول و منگول را بیشتر بچه‌ها در روایات مختلف شنیده‌اند و شنیدن سرودن این قصه نیز حلاوت خاص خود را دارد. قصه شنگول و منگول نقل شده از زبان زنده‌یاد حسین برنجیان در این کتاب از آن جمله است.

در این قصه‌ها، تنبلی، دروغ‌گرایی، تریبویی و تمام صفت‌های بد نکوهیده و در عوض راست‌گویی، تلاش و وطن پرستی و همه صفت‌های خوب، ستوده شده است.

کارکرد تربیتی قصه‌های عامیانه

عبدالرحمان جامی شاعر معروف ایرانی در اثر جاودانه اش *تربیت اورنگ* چه زیبا سروده که:

*باشد اندر صورت هر قصه‌ای خرده بینان را ز معنی حصه‌ای
صورت این قصه چون اتمام یافت بایدت از معنی آن کام یافت
کودکان از اوان طفولیت همان‌طور که لطایف و زیبایی‌های*

زندگی را می‌شناسند، ماجرای دشواری‌های آن را نیز می‌شنوند. قصه، اطفال را به آب و خاک دلبسته می‌کند. کودک در اثر شنیدن قصه با هزاران کلمه آشنا می‌شود و در نتیجه هوش و حافظه او به کار می‌افتد. البته برای آن که داستانی کودک را جذب کند باید او را سرگرم کند و کنجکاوی‌اش را برانگیزد؛ اما برای پربار ساختن زندگی‌اش، باید نیروی تخیل او را نیز به فعالیت وادارد (بت‌هایم ۱۳۰۱: ۳۰).

«جان فدرالس» رئیس سابق مؤسسه دیل کارنگی آمریکا، پا را از این نیز برانداخته و می‌گوید:
من همیشه بر این عقیده بوده‌ام که افسانه ممکن است از تاریخ واقعی آموزنده‌تر باشد (آلفاشار، ۱۳۷۷: پیشگفتار).

قصه‌ها و افسانه‌های آذربایجانی و انواع آن

برخلاف بسیاری از افسانه‌های ما، داکتر که در آن‌ها بیشتر آرزوهای مردم با اتکا به نیروهای ماوراءالطبیعه تحقق می‌یابد، در آذربایجان با اتکا بر عقل و شعور پیرمردان فرزانه است که راه از چاه تشخیص داده می‌شود. در هیچ یک از این افسانه‌ها، شرّ بر خیر غلبه نمی‌کند. این امر نشان می‌دهد که مردم آذربایجان از دیرباز از خیر پاسداری کرده‌اند و با شرّ در ستیز بوده‌اند. قصه‌های فولکلوریک آذربایجانی عموماً در سه نوع دسته‌بندی می‌شوند:

۱) قصه‌های حیوانات یا حیوانلار حاققیندا ناغیل‌لار

(۲) افسانه‌ها یا سنجیرلی ناغیل لار

(۳) قصه‌های مرتبط با کار و زندگی مردم یا معیشت ناغیل لاری
(رسول زاده، ۱۳۸۶: ۱۸۳).

در بعضی از منابع نیز قصه‌های آذربایجانی را به چهار قسمت تقسیم و به سه نوع قبلی، قصه‌های تاریخی یا تاریخی ناغیل لار را اضافه می‌کنند (عبادی، ۱۳۸۶: ۵).

قصه‌های حیوانات (حیوانلار حاققیندا ناغیل لار)

این قصه‌ها را می‌توان به نظم یا نثر است که هدفی اخلاقی در پی دارد. شخصیت‌های این نوع قصه‌ها غیر بشری‌اند و معمولاً اشیاء یا حیوانات، شخصیت‌های آن‌ها را تشکیل می‌دهند (تمیم داری، ۱۳۷۹: ۲۸).

در این قصه‌ها منازعه میان قری و ضعیف است که در نهایت ضعیف غالب می‌شود. همچنین هر حیوانی صفاتی مخصوص به خود دارد، صفاتی مانند حيله گری برای ببر، حماقت و تنبلی برای خرس، قدرت برای شیر، ترس برای خرگوش و گرسنگی برای گرگ که ترک زبانان از آن با صفت «آج گئنه» یاد می‌کنند (منظوری خامنه، ۱۳۶۴: ۴). در کتاب حاضر قصه‌هایی مانند «سنگول و منگول»، «بشچه»، «آج تولکو»، «پیشیک‌له شیر»، «کینه‌لی جناوار»، وفالی ایت» و «هرکسن بیرایشه یارانیدیر» از جمله قصه‌های حیوانات به شمار می‌آیند.

افسانه‌ها (سحیرلی ناغیل لار)

در قصه‌هایی که تم افسانه‌ای دارند، سحر و جادو محور اصلی و اساسی است. این نوع قصه‌ها، آرزوهای انسان را به صورت تمثیلی بیان می‌کنند. در کتاب «اثل ناغیل لاری» قصه‌های «شتی»، «پش»، «من»، «ایینه سانجاق»، «اولاجاغا چاره یوخدور»، «مازالاق»، «بالا تدرین شاهی» و «قاراجوخا» از جمله این نوع قصه‌هاست.

قصه‌ها، مرتبط با کار و زندگی مردم (معیشت ناغیل لاری)

در این نوع قصه‌ها با شیوه‌های زندگی افرادی که همه زندگی‌شان تلاش است، و برو هستیم. قهرمان، فردی ساده و بی‌پیرایه با سیمای انسانی چون فقیر و چوپان و کچل است که در نهایت با سادگی‌اش و با عقل و تدبیر ویژه‌ای، بالاتر از اربابان، زرمندان و ورمداران قرار می‌گیرد. در این کتاب قصه‌هایی همچون «تاجرله کیچی»، «میخی مسمار ائله‌ین آلاله»، «سن آلاله‌لا اول، آلاله‌سن له‌دیر» و «ایکی قارداش»، جزو این نوع قصه‌ها به حساب می‌آیند.

قصه‌های تاریخی (تاریخی ناغیل لار)

این نوع قصه‌ها، منتسب به شخصیت‌های تاریخی می‌باشد؛ مانند قصه‌هایی درباره شاه‌عباس و نادرشاه. قصه «بیلیجی کئچل» در همین کتاب، جزو قصه‌های تاریخی محسوب می‌شود.

داستان‌های عاشیقی (عاشیق داستان لاری)

یکی از انواع ادبیات عاشیقی، داستان است. در داستان‌های عاشیقی، افسانه، اسطوره، حماسه، عشق، محبت و صمیمیت، عناصر ذاتی به حساب می‌آیند. داستان‌های عاشیقی دو گونه‌اند: گونه اول داستان‌های حماسی است که سلحشوری قهرمانان بزرگ را نقل می‌کند؛ مثل «دده قورقود»، «قاجاق نبی» و «کور اوغلو». گونه دوم داستان‌های عاشقانه است. داستان‌های غنایی هستند که در فرهنگ عامه به «محبت داستان» مشهورند؛ مثل «اصلی ایله کرم»، «عباس لا گولگز» و «عاشیق غریب به شاه عنجه» (رسول زاده، ۱۳۸۶: ۱۸۱ و ۱۸۲).

این نوع داستان‌ها عاشیق نقل می‌کند. عاشیق‌ها هنرمندانی هستند که در شاعری، آهنگسازی، نوازندگی، خوانندگی و داستان‌سرایی مهارت دارند. در نقل داستان، عاشیق‌ها هنر نقالی را به تمام معنا به کار می‌گیرند. آن‌ها قبل از شروع داستان «استاد نامه» می‌خوانند. استادنامه شامل پند و اندرزهایی در بی‌اعتباری دنیا و تحمید و ثناست که امروزه پیش از نقل داستان‌های عاشقانه بیان می‌شود. در آذربایجان «خسته قاسیم» در استادنامه خوانی زیان‌زد خاص و عام است. در کتاب «ائل ناغیل لاری» قصه‌های «عاشیق علمسگرله» و «عاشیق علمسگرله قمرنازیمین» و «عاشیق علمسگرله قمرنازیمین» از جمله داستان‌های عاشیقی به حساب می‌آیند.

گشایش قصه (ناغیل باشی آچماق)

قصه‌گویان برای جلب توجه شنوندگان و آماده کردن آن‌ها برای

شنیدن قصه، حرکات و اعمالی انجام می‌دهند یا عبارات و جملات معینی به کار می‌گیرند. خوب است قصه، آغازی هیجان‌انگیز و حادثه‌ای داشته باشد تا توجه شنونده را به خود جلب کند و او را تا پایان با خود بکشد (صبوری، ۱۳۸۹: ۲۲).

در قصه‌ها و افسانه‌های آذربایجانی جملات بسیار متنوعی قبل و هنگام شروع به کار می‌رود؛ حتی برای درخواست قصه‌گویی از جملات به‌کار رفته استفاده می‌شود. مانند:

باز من نه ناغیل / شیشمه بئله پاخیل
تشرول دئن ناغیل / باشیما قوی عاغیل

یا راویان قبل از شروع قصه با بیان جملاتی شنندگان را برای شنیدن ادامه قصه ترغیب می‌کنند، برای مثال می‌گویند:
ناغیل دئهر ننه‌لر، قولاق آسان (هولر (کریمی، ۱۳۹۳: برنامه رادیویی ائل ناغیل لاری).

یا می‌گفتند: ناغیلا قولاق آسان آسان، آسمان باشین قویسون یاتسین.

سپس برای تحریک کنجکاوی شنندگان جملات زیبا و بعضاً موزون به کار می‌بردند؛ مثل:

حامام حامام ایچینده / قلیبر سامان ایچینده / ده‌وه دلاک‌نیک
ائیلر / کوهنه حامام ایچینده / قاریشقا شیللاق آتدی / ده‌وین
قیچی باتدی / حاماچی نین تاسی یوخ / بالتاچی نین بالتاسی یوخ /
میلچه‌یه میندیک / اوردا بیر درزی واردی / اونوندا قایچی سی یوخ /
بیر تازی‌دا وارایدی / اونوندا خالتاسی یوخ / عومرومده چوخ شی

دئمیشم / هنج بوجور یالان گورمه میشم / گونلرین بیر گونونده /
ممدنصیر تینینده ...

در نمونه ای دیگر چنین آمده است:

سیزه خبر وئریم هاردان؟ / آز دانشانلاردان / قارادینمز لردن /
مرد-مرد آرواتلاردان / هورمه یین ایتلردن / اولامایان
چاققال لاردان / چوخ دانشمایانلاردان / بوزوو مینیب چای
کئچن دن / یابایلا دووغا ایچنلردن / خوروز بئلینده بستان
ا لردن / که سا ساققالیلاردان / لعنت قویر وقلو یالانا / رحمت
قویر وقلو دوز / بیر گؤز پوزانا / ایکی گؤز دوزنه / رحمت
یازانا، لعنت یازانا / سؤز قالسین انسان گئتسین / یاخشیلیق
قالسین پیسلیک گئتسین / دوست وار اولسون / عاغیللی یئسین /
عاغیلسیز حسابلاسیز / انی گلک مطلبه. بیر یارایدی بیر
بوخ ایدی ...

در نمونه دیگر چنین می گویند:
و اما راویان اخبار، ناقلان آثار، طرخیان سکر شکن شیرین گفتار
بئله روایت ائلیب لر:

دره لردن سئل کیمی، تپه لردن یئل کیمی، باده سر سر کیمی،
ساری بیر آقایدی بیجه بیجه، سرین سولاری ایچا، گلدی
یتیشدی بیر شاهین قاپیسینا ...

یا می گویند: بئله روایت ائلیب لر دره لردن یئل تکی، تپه لردن سئل
تکی، باده سر سر تکی، غیر تلی آداملار تکی، هنرلی آداملار تکی.

جملات و عبارات به کار رفته هنگام شروع قصه (باشلانیس
ایفاده لری)

وقتی راویان قصه‌ها با جملات و اشعار زیبا کنجکاوی شنوندگان را برانگیختند و آن‌ها را برای شنیدن خود قصه ترغیب کردند، از جملات و عبارات دیگری برای شروع قصه بهره می‌برند که عبارتند از:

- بیری وارایدی، بیری یوخایدی، گونلرین بیرگونو ...
• بیری وارایدی، بیری یوخایدی، یارادان بیرایدی، بندهسی
چوخایدی.
• بیری وارایدی، بیری یوخایدی، آلاه یارادان بندهنین سای
چوخایدی.
• بیری وارایدی، بیری یوخایدی، آلاهدان غیراز بیری یوخایدی.
• بیری وارایدی، بیری یوخایدی، آلاهدان ساوای بیری یوخایدی.
• بیری وارایدی، بیری یوخایدی، آلاهی کرمه چوخ چوخایدی
• بیری وارایدی، بیری یوخایدی، آلاهی سیریک یوخایدی.
• بیری وارایدی، بیری یوخایدی، گویون آلتیسا، ارینارستونده،
جانیم سیزه دئسین ...

- گونلر، آیلار سوووشدو، قیش دؤندو یازا
- آز گئتدی، چوخ گئتدی، گونده بیرمنزل یول گئتدی
- آز گئتدی، چوخ گئتدی، اینه یاریم یول گئتدی
- آز گئتدی، چوخ گئتدی، دره تپه دوز گئتدی
- آز گئتدی، چوخ گئتدی، منزل کسب یول گئتدی
- آتی چاپدی گئتدی، آت ایاغینا منزل اولماز؛ یعنی آتی نه قدر چاپا... گئر یورولماز.

جملات عبارتند از: کاررفته در پایان قصه (قورتاریش ایفاده لری) پایان هر قصه ه اسان، آذربایجانی همراه با جملات زیبای دیگری است تا خلوت قصه در ذهن شنندگان بماند و آن‌ها مشتاقانه در انتظار شنیدن قصه بعدی قرار گیرند. نمونه‌هایی از این جملات عبارتند از:

- بوردا ناغیل تامام اولدو، قازان آشلار... اولدو، توخلار یئدیله، آجلار دویدولار.
- اونلار یئدیله، ایچدیله، یثره کنجدیله، من ده سن ناغیل گتیردیم.
- اونلار یئدیله، ایچدیله، یثره کنجدیله، ناغیل دالارلار... ان قالدی.
- اونلار یئدیله، ایچدیله، مطلبینه یئتیشدیله، آلاه... یی مطلبینه چاتدیرسین بیزده بیر.
- اونلار یئدیله، ایچدیله، من ده اوردا ایدیم. آش ایچدیم، نه الیم یاندی، نه آغزیم داددی، نه ده قارنما بیرزاد گئتدی، سیزده ائله جه یئیین دویون.

- اونلار یئدیملر، ایچدیملر، قارایئل ایله گئتدیملر. سیزده یئیب، ایچیب، آرزیلاریزا چاتاسیز.
- اونلار یئیب ایچیب مدّ مرادینا چاتدیملر، سیزده مدّ مرادیزا چاتاسیز.
- اونلار یئدیملر، ایچدیملر، یئره کئچدیملر، سیزده دؤوران کئچیردین.
- اونلار یئدیملر، ایچدیملر، کاملارینا یئتیشدیملر.
- گؤیدن اوچ آما توشدو، بیرى منیم، بیرى قولاق آسانلارین، بیرى دریاخان، باخانلارین.
- گؤیدن اوچ آما توشدو، بیرى منیم، بیرى اؤزومون، بیرى ده ناغیل دئیینهن.
- گؤیدن اوچ آما توشدو. ارزو منیم، پولوشو ائشیدنلرین.
- تمت
- سؤزون آخیری بوکی، سیز ساغ من، الامات.